

متن کامل سخنرانی آقای دکتر مصدق در دفاع از  
«حاکمیت و حقوق ملت ایران»  
در جلسات شورای امنیت سازمان ملل متحد  
(بخش سوم)

محمد حسینی

23 اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ برابر با 11 ماه مه ۲۰۰۷

در دو بخش پیشین، اسناد شماره ۱۱۳ و ۱۱۴ از جلد اول کتاب «اسناد سخن می گویند» در رابطه با شرکت دکتر محمد مصدق نخست وزیر ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطالعه کردیم. اکنون به سند شماره ۱۱۵ در صفحه ۳۹۴ همین کتاب در زیر توجه می کنیم:

### سند شماره ۱۱۵

تلگراف: ۱۴۵۱-۱۰-۲۵۳۳/۸۸۸

صورت جلسه گفتگو، تنظیم شده از سوی ورنون والترز (۱)

نیویورک، ۱۵ اکتبر ۱۹۵۱

سری

شرکت کنندگان: محمد مصدق نخست وزیر ایران  
جورج مک گی، معاون وزارت امور خارجه  
سرهنگ و. والترز

پس از خوش آمد گوئی ها، آقای مک گی اظهار داشت که هم اکنون برای دیدار با دکتر مصدق از واشنگتن به نیویورک پرواز کرده است، زیرا کاملاً درک می نماید که وضعیت اضطراری است و دکتر مصدق نیازمند به تسریع در این موضوع می باشد. او قبلاً نحوه تفکر مصدق را مورد مذاقه قرار داده بود و از هنگام آخرین دیدارش با نخست وزیر، ما در پی بررسی تفکر انگلیسی ها بوده ایم و بدین مناسبت خود را مجاز به ادامه کار دانستیم. هر آنچه می توانستیم برای کمک به دکتر مصدق برای دستیابی به یک راه حل رضایت بخش جهت مسئله انجام دهیم. وی اظهار نمود که چند نکته وجود دارد که باید در باره آنها توافق حاصل گردد. دکتر مصدق پرسید «توافق با چه کسی؟» سپس افزود که ایرانیان مطلقاً تمایلی به توافق با دولت انگلیس یا شرکت نفت ایران و انگلیس ندارند. آنها نمی توانند به این کار مبادرت کنند. هیچ کس در ایران این را نمی پذیرد. چنانچه آنها با انگلیسی ها به توافق برسند، بر اساس اصل معامله متقابل، ناچار به انعقاد قراردادی مشابه با روس ها می شوند. ایرانیان نمی توانند برای انگلیسی ها هیچ گونه امتیاز کامله الودادی قائل شوند زیرا ناچارند همان امتیازات را به اتحاد شوروی نیز اعطا کنند. آقای مک گی گفت که این دو موضوع کاملاً مشابه یکدیگر نیست، زیرا ایران منابع نفتی خود را ملی کرده است و موضوع اعطای امتیاز با ترتیب مشابه دیگری برای شوروی ها نمی تواند مطرح شود.

سپس دکتر مصدق به تفصیل درباره جدی و حساس بودن اوضاع ایران صحبت کرد و عواقب وخیمی را که امکان داشت در صورت دست یافتن به راه حل سریع پدید آید بیان کرد. او گفت که با امید فراوان جهت دست یافتن به یک راه حل سریع به اینجا آمده است و هم اکنون یک هفته سپری شده بود و انگلیسی ها هیچ اقدامی نکرده بودند.

آقای مک گی به وی اطمینان داد که ما شب و روز به عنوان واسطه های مورد اعتماد هر دو طرف کار کرده ایم تا به نظریات طرفین پی ببریم. قطعاً دکتر مصدق به این موضوع توجه کردند که ما مذاکره یا معامله نمی کردیم، زیرا اختیار این کار را نداشتیم. هیچ یک از اظهارات او را

نمی توان به هیچ وجه به عنوان تعهد تلقی کرد. دکتر مصدق گفت که وی این را درک می نمود، به همین ترتیب هرچه او اظهار کرده است جنبه مقدماتی و غیر قطعی داشت و نمی بایستی به عنوان تعهد تلقی گردد. مفهوم کلمه « موافقتنامه - قرارداد Agreement » به تفصیل برای دکتر مصدق توضیح داده شد، زیرا به نظر می رسید که وی از آن کلمه مفهوم نوعی قرار و مدار و امتیاز را برداشت می کند.

او اظهار داشت که طرح استوکس (۲) چیزی بیش از یک امتیاز در پوشش دیگری نبود و بنابراین، برای ایرانیان پذیرفتنی نبود. سپس به موضوع غرامت اشاره شد. دکتر مصدق گفت که ایرانیان آماده پرداخت غرامت بر اساس ارزش تعیین شده تأسیسات شرکت نفت در ایران، آن طور که در ترازنامه سالانه شرکت نفت ارائه شده، به مبلغی معادل ۲۷ میلیون لیره می باشد. آقای مک گی توضیح داد که تفاوت قابل توجهی میان ارزش رسمی اموال ثبت شده در دفتر و بهای فروش آنها یا ارزش واقعی دارایی ها وجود دارد. سپس دکتر مصدق پرسید که آیا شرکت نفت ایران و انگلیس حاضر است بگوید که تا چه حد در صورت حساب های خود تقلب کرده است؟ مک گی پاسخ داد که موضوع تقلب در کار نیست بلکه به طور معمول بهای دفتری اموال همیشه معادل ارزش و بهای فروش واقعی دارایی ها نیست. اگر یک شرکت سود آور باشد، معمولاً ارزش واقعی اموالش بیشتر از ارزش رسمی آنهاست و اگر شرکت زیان کند، ارزش واقعی اموالش معمولاً کمتر از ارزش رسمی آن است. بنابراین، در مورد شرکت نفت ایران و انگلیس که منافع عظیمی تحصیل می کرده است، احتمالاً ارزش واقعی اموال بیش از ارقامی است که در دفتر وجود دارد. دکتر مصدق نظر مک گی را در باره ارزش واقعی اموال آن شرکت پرسید. مک گی اظهار عدم اطلاع کرد و گفت برآورد ارزش این نوع اموال کار آسانی نیست. ولی به هر حال اگر این اموال در ایالات متحده بود، ارزش آن به مراتب بیشتر از ۲۷ میلیون لیره می توانست باشد، شاید بیش از یک میلیارد دلار. دکتر مصدق پاسخ داد اما در هر صورت این اموال در ایران است و بر آن اساس می باید ارزیابی شود. مک گی گفت که این صحیح است، با این همه، برخی از ارزش ها مطلق هستند، صرف نظر از اینکه اموال در کجا باشد.

آقای مک گی از دکتر مصدق پرسید که آیا خودش در باره رقم نهایی نظری دارد. دکتر مصدق پاسخ داد که نظری ندارد و از مک گی پرسید که آیا ایشان نمی تواند از نظر انگلیسی ها در این باره اطلاع پیدا کند. مک گی مشکلات و زمان مورد نیاز برای ارزیابی این گونه اموال را توضیح داد. دکتر مصدق تصور می کرد که این کار را می توان سریع تر انجام داد. مک گی سپس پیشنهاد کرد که شاید بتوان این کار را از طریق تخصیص در صدی از منافع حاصله به غرامت و سپس برگزیدن ترتیبی برای تعیین ارزش اموال انجام داد. تشکیل یک کمیسیون یا گروه کوچکی برای تعیین ارزش اموال مورد بحث قرار گرفت. دکتر مصدق از انتخاب یک گروه بین المللی وحشت داشت، ترس او از آن بود که مبادا گروه مزبور تحت نفوذ شرکت نفت قرار بگیرند و پیشنهاد کرد که ریاست جمهوری ایالات متحده در این مورد حکمیت کند. آقای مک گی اظهار داشت که به عهده گرفتن این بار برای ما به عنوان یک دولت، مسئولیت بزرگی است و بر ارزش یک سازمان بین المللی یا گروه کوچکی از کارشناسان بی طرف تأکید و خاطر نشان کرد که این گروه باید تنها مرکب از کسانی باشد که دکتر مصدق به آنها اطمینان داشته و مورد قبولش باشند. به نظر می رسید که دکتر مصدق با اینکه این فکر را فوراً نپذیرفت، در مقایسه با گذشته با آن کمتر مخالفت کرد.

سپس سایر جهات مسئله مورد بحث قرار گرفت. مک گی یادآوری کرد که توافقی قابل ملاحظه که برای او دلگرم کننده می باشد، به طور مشهود آشکار شده است. دکتر مصدق این نکته را تأیید و پیشنهاد کرد که آنها، هر دو، نکات مورد توافق را روی کاغذ بیاورند تا به طور کامل از آنها آگاه باشند. آقای مک گی با این نکته موافقت کرد و نکات زیر به وسیله سرهنگ والترز به زبانهای انگلیسی و فرانسه یادداشت شد. دکتر مصدق نسخه فرانسه و آقای مک گی نسخه انگلیسی را نگاه داشتند. این یادداشت پس از تکمیل با دقت مجدداً پاراگراف به پاراگراف برای دکتر مصدق خوانده شد و سپس همه آن تکرار شد و مورد تأیید او قرار گرفت.

نکات در یادداشت آمده بود:

۱. ایران موافقت می نمود که نفت را، از طریق هر واسطه ای که خریداران تعیین کنند، بر اساس مقداری که در سه سال گذشته می خریدند، به مشتریان بفروشد.
۲. هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران مرکب از سه عضو ایرانی و چهار عضو بی طرف خواهد بود.
۳. به منظور استخدام کارشناسان مورد نیاز، و دستیابی به تکنولوژی، شرکت ملی نفت ایران قراردادی با یک شرکت دیگر بر اساس پرداخت کارمزد منعقد خواهد کرد. یک شرکت هلندی برای این منظور قابل قبول خواهد بود. کارشناسان قرارداد جداگانه ای با شرکت ملی نفت ایران منعقد خواهد کرد.
۴. چنانچه بتوان به شرایط مناسب دست یافت، ایران مایل است سرمایه جاری مورد نیاز را از بانک بین المللی وام بگیرد.
۵. مدت قرارداد برای خرید نفت خام، به وسیله تنظیم قرارداد تعیین می شود، و حد اقل ده سال خواهد بود. قیمت نفت نیز در ابتدا از طریق مذاکره تعیین می شود و هر سال بر طبق تغییرات بهای جهانی نفت تغییر می کند.
۶. زیر نظر هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران، یک مدیر فنی با ملیت بی طرف، با داشتن اختیارات مدیریت در عملیات اجرائی در شرکت نفت، برگزیده خواهد شد. وی توسط هیئت مدیره از ملیتی که دولت ایران تعیین می کند انتخاب می شود.
۷. پرداخت بهای نفت خام به لیره استرلینگ صورت خواهد گرفت.

مک گی در مورد بند چهارم توضیح داد که چنانچه قرار شود بانک جهانی سرمایه جاری را وام بدهد، احتمالاً مایل است در باره ترتیبات اداری شرکت ملی نفت با هیئت مدیره مذاکره کند، چه، این رویه در عملیات بانکی به منظور حصول اطمینان از کارآمدی در اداره شرکت مرسوم است. دکتر مصدق با این نکته موافق بود و عقیده داشت که این امر مشکلی به وجود نخواهد آورد.

در مورد بند پنجم دکتر مصدق خواهان آن بود که قیمت در هر سال تعیین شود. مک گی توضیح داد که مشکل در این امر وجود و پیدایش عدم ثبات بود، برای وی توضیح داد. بعد از مدتی بحث در باره این نکته، دکتر مصدق بالاخره با این عبارت موافقت کرد که قیمت نفت بدو تعیین گردد ولی انعطاف لازم، با توجه به نوسانات قیمت‌های جهانی نفت، در آن رعایت شود.

در باره بند ششم دکتر مصدق مشتاق بود که عبارت « ملیت بی طرف » گنجانیده شود و همچنین جمله ای که حاکی از اینکه دولت ایران انتخاب ملیت مدیر فنی را نیز کنترل نماید، در آن گنجانیده شود. وی تمایل زیادی به گزینش یک فرد سویسی داشت، ولی بالاخره اظهار داشت آماده پذیرش یک فرد هلندی نیز هست. وی گفت هلندی ها بسیار درستکارند. مک گی اظهار داشت که بعد از امریکایی ها و انگلیسی ها، هلندی ها بیشترین تجربه را در این رشته دارند.

در باره بند هفتم، دکتر مصدق مشتاق بود که پیش بینی هایی در باره دریافت ارز مورد نیاز دولت ایران، برای برنامه واردات کشور، گنجانده شود. مک گی توضیح داد که فعلاً بازار ایران در منطقه بازار لیره قرار دارد و این به نفع ایران است زیرا در صورتی که ایران در حوزه بازار دلار قرار گیرد، بسیاری از مشتریان نمی توانند نفت را خریداری کنند. در حقیقت، بعضی از شرکت های امریکایی در حال حاضر می کوشند تا اجازه دولت بریتانیا را برای فروش در مقابل لیره تحصیل کنند، چه، این امر موجب افزایش قابل ملاحظه فروش آنها می شود. دکتر مصدق با عبارت بند هفتم و با دریافت بهای نفت به لیره موافقت کرد.

دکتر مصدق اظهار نمود که روز بعد برای دفاع از کشور خود به شورای امنیت می رود و با خنده گفت که آنها می خواستند وی را به زندان اندازند و از آقای مک گی پرسید که آیا به کمک می کند تا از زندان آزاد شود. آقای مک گی به شوخی گفت که ما در مقابل در زندان منتظر وی می شویم. دکتر مصدق نگران بود که هر نوع قطعنامه شورای امنیت که انجام گرفتن مذاکرات را توصیه کند، با ممانعت از بازگشت کارشناسان انگلیسی و استخدام کارشناسان دیگر، مانند آلمانی ها ( که درخواست های زیادی از طرف آنان داشت )، به طور همزمان دستهای ایرانیان را

می‌بندد. او بیشتر ترجیح می‌دهد که شورای امنیت هیچ قطعنامه‌ای را تصویب نکند یا تنها یک موضع بی‌طرف اتخاذ کند. (این نخستین مذاکره‌ای بود که طی آن دکتر مصدق درخواست نکرد که شورای امنیت عدم صلاحیت خود را در رسیدگی به این موضوع اعلام دارد.) آقای مک‌گی گفت که ما کاملاً از احساس او نسبت به این موضوع آگاه بودیم و هر اقدامی که ما و یا شورای امنیت در این مورد به عمل آوریم، کوششی برای کمک به حل مشکل او می‌باشد.

آقای مک‌گی گفت که مسئله نفت روی هم رفته بسیار پیچیده و دارای جنبه‌ها و پیامدهایی گسترده است. دکتر مصدق باید به ما اعتماد داشته باشد. ما تجاربی وسیع در این زمینه داشته‌ایم و او می‌تواند اطمینان داشته باشد که ما هیچگاه در یافتن راه حلی که برای او غیر عادلانه باشد شریک کسی نخواهیم شد. دکتر مصدق گفت که به ما اعتماد کامل دارد. آقای مک‌گی ضمن اشاره به اینکه هرگونه راه حلی که پیدا شود باید به نظر هر دو طرف منطقی باشد، گفت که این راه حل باید به نظر ما و در نظر جهان نفت نیز منطقی باشد. دکتر مصدق برای اداره صنعت نفت خود به همکاری جهان نفت نیازمند است. او نمی‌تواند آن را به تنهایی و در انزوا اداره کند، بنابراین ضروری است که هر ترتیبی که اتخاذ شود در جهان نفت نیز منصفانه باشد. سیاست ما مبتنی بر شناسایی اصل ملی کردن است، ولی به به نظر ما باید پرداخت غرامت نیز فوری، کافی، و موثر باشد. چنانچه اقدامی موجب نقض این سیاست شود، مصالح همه صنعت نفت به خطر می‌افتد و، بدین ترتیب، جلب همکاری آنان برای کمک به ایران در کسب حد اکثر درآمد از منابع نفتی خود ناممکن می‌شود. دکتر مصدق با همه این مطالب اظهار موافقت کرد.

آقای مک‌گی سپس گفت که بر اساس آنچه دکتر مصدق در اختیار وی گذاشته بود، او از موضع انگلیسی‌ها کسب اطلاع می‌نماید. او از دکتر مصدق پرسید که آیا مایل است تا پس از انجام انتخابات انگلیس صبر کند، به شرط اینکه پیشرفت رضایت بخش تا قبل از آن تاریخ حاصل شده باشد. او اشاره کرد که از نظر سیاسی برای انگلیسی‌ها بسیار دشوار است که قبل از انجام انتخابات، در این مورد تصمیم نهایی بگیرند. دکتر مصدق گفت که موضوع را درک می‌کند و مایل است تا پس از پایان انتخابات صبر کند.

سپس مک‌گی از دکتر مصدق پرسید که چه وقت مایل است به واشینگتن بیاید. دکتر مصدق گفت که مایل است به محض خارج شدن از زندان (شورای امنیت) به آنجا بیاید. آقای مک‌گی گفت که رئیس جمهوری و وزیر امور خارجه مشتاق دیدار و مذاکره با او بودند و همچنان افزود که دکتر مصدق می‌تواند از تأسیسات هیدرولیک دره تنسی (T.V.A.) و احتمالاً یکی از چهار چشمه آب معدنی، نظیر چشمه سولفور سفید، دیدن کند. دکتر مصدق گفت که مایل به این دیدار است، اگر وضع سلامتی اجازه دهد.

آقای مک‌گی دکتر مصدق را به مزرعه خود در نزدیکی واشینگتن دعوت کرد و دکتر مصدق گفت که تمایل بسیار به آمدن دارد. او هم کشاورز است و هیچ چیز برای وی جالب‌تر از آن نیست که زندگی سیاسی را رها کند و به مزرعه خود باز گردد. آقای مک‌گی گفت که فوراً به واشینگتن مراجعت می‌کند تا بر اساس اطلاعاتی که دکتر مصدق در اختیار او گذاشته، فوراً کار را از سر گیرد. او اضافه کرد که بلافاصله پس از تشکیل شورای امنیت با دکتر مصدق تماس خواهد گرفت. او از اینکه دکتر مصدق را تا دیروقت بیدار نگه داشته بود پوزش خواست و مذاکره پایان یافت.

در بخش چهارم به متن کامل سخنرانی دکتر محمد مصدق در دفاع از «حاکمیت و حقوق ملت ایران» در جلسات شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهیم رسید تا بسیاری از مطالب و حقایق تاریخی در باره بزرگمرد نهضت ملی ایران و راه و رسمی که او بر ایمان به ارث گذاشت روشن شود.